



زبان و نقش رسانه ها

مصاحبه شونده: الیا نورسی؛ مترجم: اسعدی، احمد
میان رشته ای :: کیهان فرهنگی :: خرداد 1372 - شماره 98
از 18 تا 20

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/15668>

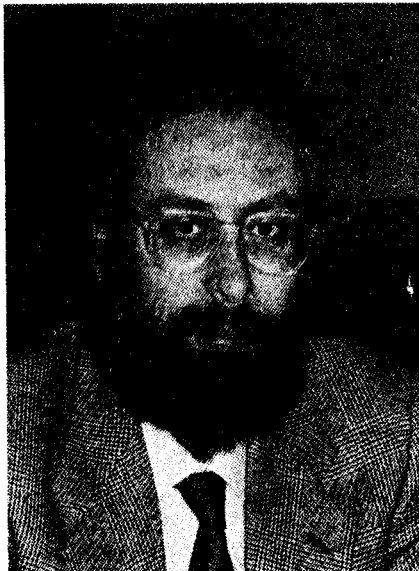
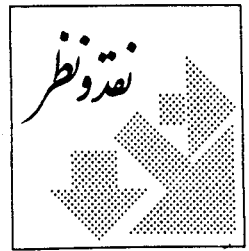
دانلود شده توسط : سید رضا حسینی
تاریخ دانلود : 1393/04/30 12:21:01

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com



کلامی، از ساحتی دیگر یکی از ابزارهای کارساز بشر برای کنترل و درک محیط خویش و تأثیر در آن است. از همین رو یکی از مهمترین نشانه‌های ارتباطی، پس از کلام، جایگاه اجتماعی در رفتار زبانی است که با بهره‌گیری از واژگان خاص و ضمائر در ارتباط کلامی، موضوعیت می‌یابد. این قول شایع که انسانها بسیار پر حرف هستند، اهمیت ارتباط کلامی و توانش زبان را هرچه بیشتر مطرح می‌کند.

میلر در بحثی با عنوان ارتباط کلامی - تحلیل رفتار، در زمینه ارتباط کلامی نظرگاههای مجموعه «بازمربلی»، را بدین گونه تمهید و تنظیم می‌کند:

«فن بیان یا ارتباط کلامی را می‌توان فرایند رفتاری بنیادی و پیچیده‌ای دانست که تأثیر مستمر و فراگیر بر هستی یا زندگی انسان و پیشرفت تمدن دارد. در سراسر این مجموعه به طور اعم، بر اهمیت فن بیان و ارتباط کلامی انسان به عنوان وسیله درک و کنترل خود و محیط و تأثیر در آنها تأکید شده است.» [۱]

عقیده‌ای که تصریح شده این است که فن بیان یا زبان از راهها و وسایل مهم بشری است که موجب افزایش پاداشها و کاهش تنبیهات حاصل از محیط می‌شود.

مسئله پویایی اجتماعی زبان با تأثیر عوامل اجتماعی بر فرایند توانش زبان، دیدگاهها و ارتباط زبان شناسی با فلسفه، از جمله مواردی است که در گفتگویی کوتاه با پروفسور الیانو رُسی استاد دانشگاه ناپل دست داد.

اگرچه امکان طرح گسترده مسایل و مشکلات به دلیل تنگی وقت ایشان حاصل نشد، با این حال آنچه در پی می‌آید گفتگویی است که به زبان ایتالیایی، در بهمن ماه سال گذشته انجام شده و پس از برگردان تقدیم حضور می‌شود.

کیهان فرهنگی: نقش اساسی و محوری تبادل اطلاعات و نیز ساخت تمدن و فرهنگ بشری از آن هنگام آغاز شد که آدمی به کشف زبان نایل آمد. از سویی زبان و انسان و ارتباط این دو، یکی از مهمترین موضوعاتی است که متفکرین و فیلسوفان را به تفکر در این حیطه واداشته است. لطفا در این باره توضیح دهید.

□ آنچه اهمیت دارد این است که بدانیم انسان از راه زبان تحول پیدا می‌کند. گروهی از معرفت‌شناسان معتقدند کودک به واسطه زبان و از راه کلام دچار تغییر و تحول از وضعیت حیوانی به انسانی است.

هگل زبان را «خانه وجود» می‌نامد و وجود تاریخ را با ارتباط دادن آن به زبان درمی‌آمیزد. این نمایانگر نقش تأثیری است که زبان به عنوان عامل بزرگترین آفرینش فرهنگی - انسانی در تاریخ تمدن و فرهنگ بشری داشته است.

گروهی دیگر از اندیشمندان، ماهیت انسانی بشر را در ویژگی ناطق بودن او می‌دانند، یا اینکه می‌توان

اشاره : «هنگام وفات، ضعف و پیری به سراغش (حکیم سنایی) آمده بود... نه مخیله وی را قدرت تخیل مانده بود نه مفکره وی را تحمل تأمل... در آخر وقت... زیر زبان چیزی می‌منگید. محبان گوش فا پیش دهانش بردند، این بیت را می‌گفت:

باز گشتم زانج گفتم زانک نیست
در سخن معنی و در معنی سخن

جامی که این روایت را از قول مولانا نقل می‌کند می‌گوید: عزیزی این را بشنید، گفت عجب حالی است که در وقت بازگشتن از سخن نیز به سخن مشغول بوده است.» [۱]

آدمی در رفتار و تعاملات و ارتباطات خود ناگزیر از ارتباط کلامی و سخن گفتن است، تا آنجا که نطق و کلام وجه تمایز انسان از دیگر جانداران توصیف شده است. اگرچه گروهی از اندیشمندان عقیده دارند که روشن‌ترین وجه تمایز انسان از دیگر انواع حیوانی، استعداد تفکر یا تعقل و برحسب رایج آن انسان عاقل (Homo sapiens) است، اما زبان شناسان به تاسی از بعضی فلاسفه عقیده‌ای دیگر دارند. جامسکی استعداد زبان را وجه تمایز انسانی می‌داند، اما با این تفاسیر فیلسوفان و روان‌شناسان برسر این معنی اندیشه و تفکر کرده‌اند. ژان پویه نو آکادمیسین معاصر فرانسوی می‌گوید: حیوان فکر می‌کند. اما نمی‌داند که فکر می‌کند. ولی اینکه حیوان نمی‌داند که فکر می‌کند، بیشتر - به قول دکارت - به این دلیل است که حیوان نمی‌تواند فکر کند زیرا نمی‌تواند تکلم کند.

نحوه نگرش به مختصات انسانی، چه عقلانیت باشد و چه ناطق بودن او، به هر تفسیر، تداعی کننده سؤالاتی در ذهن آدمی است. اما آیا فکر، جز به صورت آنچه در گفتار یا نوشتار مجسم است، تصور شدنی هست یا نه؟ اگر پاسخ ما به این سؤال مثبت باشد، می‌توان مساله دیگری طرح کرد و آن اینکه: زبان چیست و زبان معیار کدام است؟

چه متغیرها و عناصری در پویایی، رشد و توانش زبان مؤثر می‌تواند بود؟

بخشهایی از پاسخ به سؤالات مطرح شده در تئوریهای دستگاه دستور زبان گشتاری جامسکی پاسخ داده شده است:

«در نظریه «زایا گشتاری جامسکی، توانش زبانی عبارت است از دانش انسان از زبان خود، و به مفهوم دستگاهی از قوانین ساختاری و مجموعه‌ای از واژگان که انسان در مراحل مختلف کسب زبان مادری خود به آن دست می‌یابد، به طوری که می‌تواند با این دانش زبانی بی‌نیاز از جمله - بویژه جمله‌های تازه‌ای که شاید تاکنون تولید نکرده است - بسازد و همه جملات زبان خود، حتی جملاتی را که احتمالاً هنوز نشنیده است، بفهمد.» [۲]

توانش زبانی که جامسکی مطرح می‌کند، بعدها در سال ۱۹۷۱ در بحث علمی «هایمز تحت عنوان توانش ارتباطی مطرح می‌شود.» [۳] توانایی ارتباط

و نقش زبان رسانه‌ها

گفتگو با دکتر الیانورسی

✱

باید تفکر ایجاد

زبان مشترکی که جریان

تبادل فرهنگی، دانش

و یادگیری را تشدید کند،

جدی پنداشته شود.

ترجمه و تنظیم: احمد اسعدی

درباره اهمیت زبان به گفته دکارت استاد کرد که حیوان نمی‌تواند فکر کند، زیرا نمی‌تواند سخن بگوید. از این روست که بسیاری از زبان‌شناسان امروز تأکید می‌کنند که زبان و گفتار بهترین وجه تمایز انسان از حیوان است.

کیهان فرهنگی: نظر شما درباره رابطه زبان‌شناسی و فلسفه و دیدگاه‌های گوناگونی که در این حیطه طرح شده است چیست؟

□ پاره‌ای از رویارویی‌های فلسفی و روان‌شناسی، چون رویارویی عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی در محدوده زبان‌شناسی است. در حقیقت فیلسوفان درباره پیش‌افتادگی یا پس‌افتادگی ذهن و زبان، مسایل زیادی را مطرح کرده‌اند. فیلسوفان همواره در پی پاسخگویی به این پرسش بوده‌اند که مطالعه زبان چه کمکی به روند شناخت ما از جهان و انسان می‌کند، و آیا بین زبان و کنشهای ذهنی انسانی رابطه‌ای وجود دارد؟

موضوعات زیادی است که فیلسوفان و زبان‌شناسان نسبت به درک آنها علائق مشترک دارند. همچنین می‌توان به دیدگاه‌های دیگر که زبان را جزئی از سرشت انسانی، قلمداد می‌کنند و معتقدند که زبان از طریق وراثت طبیعی از پدر و مادر به فرزند منتقل می‌شود، اشاره کرد.

کیهان فرهنگی: قلمرو زبان‌شناسی با توجه به دیدگاه‌های طرح شده چیست؟

زبان‌شناسی را با کمی سهل‌انگاری می‌توان «دانش زبان»^(۱) تعریف کرد که قلمرو آن، ساختمان دستوری زبانها و جنبه‌های زبانهای انسانی و وجوه تمایز زبانهای معناشناسی و واج‌شناسی است. بررسی علمی زبان، ساختارهای دستوری و مقایسه تطبیقی مکاتب زبان‌شناسی، از جمله محورهایی هستند که زبان‌شناسان بدان تعلق خاطر دارند.

کیهان فرهنگی: شما چه تعریفی از زبان و زبان معیار دارید؟

□ هدف علم زبان‌شناسی یافتن پاسخی مناسب برای «زبان» است و بدیهی است که پاسخ به پرسش بالا می‌تواند به فلاسفه و جامعه‌شناسان در شناخت جامعه کمک‌های شایانی کند، چرا که میان ساختمان زبان و رفتارهای انسانی از جمله پیدایش خلاقیت‌های هنری - فرهنگی رابطه وجود دارد.

درباره «زبان معیار»^(۲) می‌توان واژه‌هایی را که طبقات اجتماعی به طور عام برای ایجاد ارتباط با همدیگر استفاده می‌کنند «زبان معیار» نام نهاد. اگرچه زبان معیار در هر جامعه‌ای - با توجه به طبقات اجتماعی - در حال تغییر و تحول می‌باشد؛ و از این روست که هیچ‌کس نتوانسته تعریفی خاص و مورد قبول از زبان معیار ارائه دهد.

هدف زبان‌شناسان پیشگیری از بروز پدیده جداافتادگی و «انزوای زبان»^(۳) از عناصر دیگر اجتماعی است. هدف یاد شده می‌تواند تا حد بسیار

زیادی رهیافتهای زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی زبان را به همدیگر نزدیک سازد.

کیهان فرهنگی: تغییر و تحول زبان معیار را با توجه به تغییرات اجتماعی، چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟

□ در فرایند تغییرات اجتماعی، ویژگیهای عقلانی، روان‌شناختی - که بیشتر در حیطه اندیشه و تفکر حائز اهمیتند - با بهره‌گیری از عقل، به وسیله کلمات، استعارات و رموز سعی در توجیه تغییرات انجام شده دارند. کلمات خاصی در شرایط خاص اجتماعی قابلیت طرح بیشتر می‌یابند. این فرایند باعث می‌شود که همه ابعاد رفتار اجتماعی به طور بالقوه تحت تأثیر چگونگی استفاده از کلمات، رفتارهای خاصی را شکل دهد؛ رفتارهایی مانند رفتار ضداجتماعی^(۴) و یا اجتماع‌خواه^(۵). نگرشهای مربوط به تمام گروههای مشخص در جامعه، دانش شفلی تعلیم و تربیت و رفتارهای مصرف‌کننده از این قبیلند. وضعیت زبان معیار و تطور آن بستگی به شیوه‌های تصمیم‌گیری و میزان مشارکت مردم در رسانه‌های گروهی دارد. در این‌باره ارتباط بین حمایت کامل، حمایت، بی‌طرفی، مخالفت کامل و مخالفت، ارتباط بین زبان با گروههای دارای نفوذ در خور اهمیت است. موضوع دولت، گروههای صاحب نفوذ، روش تبلیغی رسانه‌های گروهی می‌تواند در ایجاد زبان محاوره و ارتباط فعال با توده مردم تأثیر بگذارد.

کیهان فرهنگی: امکان دارد درباره نقش و تأثیر رسانه‌های گروهی و شیوه تبلیغات آنها (که گفتید می‌تواند در فرایند زبان تأثیر داشته باشد) بیشتر توضیح دهید؟

□ زبان نخستین وسیله‌ای است که پیام‌برپایه‌آن استوار می‌شود و پیامها با اثرهای شناختی، جریان‌یادگیری را تندتر می‌کنند و در این راه تأثیرات ویژه خود را در زبان و همچنین گیرنده پیام باقی می‌گذارند. از این رو بخش عمده‌ای از تحقیقات انجام شده - افزون بر مطالعه گسترده انواع گوناگون محتوا - به بررسی شیوه ارائه پیام، زبان و تأثیری که گیرندگان پیام می‌پذیرند، استوار گشته است. رسانه‌ها با توجه به قدرت و توان پیام‌رسانی و نفوذمندی‌شان بر نگرش و رفتار مردم اثر می‌گذارند. به روزنامه‌ها نگاه کنید، تبلیغات به طور مداوم و به صورت پیامهای متنوع و گوناگون با رعایت ویژگیهای مخاطبین ارائه می‌شوند. آنچه در ساخت زبان دارای اهمیت است، نقش است که گروههای دارای نفوذ در گروه مدیران رسانه‌های گروهی ایفا می‌کنند. اعضای این گروهها نتایج‌کنندگان هستند که بر گروههای دیگر تأثیر دارند و ارتباط با گروههای دیگر از راه این گروه نخبه ممکن است. توده‌ها در این روند نقش گیرنده پیام را به عهده دارند. تبلیغات در سطح داخلی و بین‌المللی متولی بخشی از ارتباط با گروههای اجتماعی، نظامهای گوناگون سیاسی مانند احزاب، گروههای فشار، گروههای اصلاح‌طلب، اعضای پارلمان و مدیران رسانه‌های گروهی شفاهی و تصویری و نوشتاری است. از همین روست که امروز اندیشمندان

درباره نقش یادشده به تلاش گسترده فکری می‌پردازند. استفاده پیاپی و همیشگی و سازماندهی شده می‌تواند در تطور و یا تحرک زبانی، غنا و فاصله‌گیری از «زبان مرجع» دارای اهمیت باشد. بحث از مسؤولیت‌های اخلاقی گروههای نفوذمند، و تلاش برای اقدام اقلیت‌های زبانی از همین زاویه شایان اهمیت است.

در کشور من (ایتالیا) زبانهای محلی زیادی وجود دارند و امروز احزاب زیادی با پافشاری بر استفاده از زبان محلی^(۶) باعث نگرانیها و بحثهای زیاد شده‌اند؛ نگرانیهایی که نشاندهنده این احتمالند که چند پارگی زبانی، امکان همبستگی اجتماعی را دچار نقصان می‌کند. پافشاری بر اصالت دادن به زبانهای مانند ونیزی،^(۷) ناپلی^(۸) و ساردنی^(۹) از این دست هستند. گمان می‌کنم تأکید بر زبان و لهجه‌های گونه‌گون نمی‌تواند نگرانی‌زا باشد. در دنیای معاصر حدود دوهزار و هفتصد زبان - با توجه به پراکندگی جغرافیایی ناهمسان - مورد استفاده قرار می‌گیرند.

به هندوستان که کشوری با زبانها و لهجه‌های گوناگون است نگاه کنید، یا به کشور خودتان که دارای زبانها و لهجه‌های گوناگون هستید. زبانهایی مانند ترکی، کردی، عربی و لهجه‌هایی که گاه برای شما که به زبان فارسی حرف می‌زنید، نامفهوم می‌نماید. با این همه می‌توان گفت تسلط یک سوبه گروههای صاحب نفوذ و تبلیغات در تطور و تغییرات زبان معیار می‌تواند نقشی حساس و حیاتی داشته باشد. برای نمونه می‌توان اشاره کرد که دفتر اطلاعات سازمان ملل متحد در نیویورک، مدتی را برای پخش برنامه به وسیله فرستنده‌های حکومت آمریکا بر روی امواج کوتاه در «گرینویل» اجاره می‌کند که این رادیو به وسیله دستگاههای تقویت کننده به مدت نیم ساعت و هفته‌ای پنج روز به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، یونانی، ایتالیایی، ترکی، عربی و سومالیایی به پخش برنامه می‌پردازد. همچنین، برای نمونه تا بیست سال پیش سیستم تلویزیون در ایتالیا دولتی بود و دولت تصمیم می‌گرفت که چه بگوید، چگونه بگوید و از چه زبانی برای پیشبرد اهداف خود و ایجاد ارتباط با مخاطبین بهره گیرد.

اکنون صدها فرستنده رادیویی و تلویزیونی در کنار فرستنده‌های دولتی سعی در ارائه زبان خاص و اهداف خاص دارند. اگر دولت تصمیم بگیرد که مثلاً فیلم آمریکایی به دلایلی انتشار نیابد بخش خصوصی به پخش آن می‌پردازد. ارتباط دو سوبه زبان به کار گرفته شده از سوی تلویزیون با توجه به شعاع عمل و مخاطبین زیاد، می‌تواند در تغییر و تحول «زبان معیار» نقشی جدی داشته باشد.

روزنامه‌هایی که به وسیله دولت انتشار می‌یابند می‌توانند یک زبان معیار خلق کنند و همچنین روزنامه‌های خصوصی با استفاده از فرهنگهای دیگر - با توجه به مخاطبین و اهداف خود عمده‌تاً فروش بیشتر است - در فکر تصمیم و گسترش سبک خاص زبانی خود هستند.

در این حالت ما شاهد وقوع رویدادی در حیطه زبان هستیم که «تحریک پیام» نام دارد. در اینجا «ساخت

☆ دکتر الیانورسی: کسی که به یک زبان مانند انگلیسی، اسپانیایی یا عربی آگاهی دارد به سرعت می‌تواند بسیاری از مفاهیم، پیامها و کلمات پراکنده در زبانهای دیگر را درک کند.

زبان «مطرح است؛ زیرا تنها «تحریک» صورت پذیرفته است. کلمات، آراء و ایده‌ها همسطح می‌شوند، اما هیچ‌گاه به ژرفا و «زیر ساخت زبان» نمی‌رسند و آن را متحول نمی‌سازند. می‌توان به گونه‌ای اذعان کرد که جریان رسانه‌های گروهی، آنجا که یک طرفه و یک سو به جریان می‌یابند، به «تخریب زبان» می‌انجامند. کسی که دفاع از زبان را جستجو می‌کند باید به دفاع از زبان بویژه در برابر تهاجم یک سو به رسانه‌های گروهی بیندیشد. برای غنا و تحرک زبانی، آموزش خردسالان و دانش آموزان و رفتن به عمق کلمات برای رسیدن به زبان معیار توانمند، ضروری است.

کیهان فرهنگی: آیا تفاوت جوامع - جوامعی که دارای فرهنگ شفاهی هستند و یا جوامعی که در آن فرهنگ مکتوب دارای جایگاهی گسترده‌تر است - تاثیراتی متفاوت از رسانه‌های گروهی بر زبان معیار می‌گذارند؟

□ همیشه چنین نیست. در جامعه‌ای شفاهی ادبیات و زبان از راه شنیداری منتقل می‌شود. بسیاری از آثار ادیبان و دانشمندان و داستانها و حکایات ایرانی و اشعار شاعرانی چون حافظ و سعدی نزد بیشتر ایرانی‌ها از راه گوش شنیده و سپس فرایند یادگیری انجام می‌شود. این فرایند به پویایی زبان می‌انجامد، آن گونه که در فرهنگ مکتوب، آثار به وسیله جریان انتشارات به مخاطبین انتقال داده می‌شود.

در جامعه شوروی با وجود ریشه کن شدن نسبی سواد، همگی دارای علایق خاص نسبت به ادبیات کلاسیک و استفاده از کلمات قدیمی‌اند، در حالی که در جوامع همسان دیگر تمایل به استفاده از کلمات وارداتی ایفای نقش می‌کند.

در ایران به دلیل وجود زبانهای گوناگون، فشار روی زبان استاندارد بیشتر است و به همین علت هر سال زبان استاندارد در حال تغییر نسبی است. میلیونها فارسی زبان در تبریز به زبان آذری فشار وارد می‌کنند، و یا یک فرد آذری زبان در اصفهان برای ایجاد ارتباط کلامی از زبان فارسی استفاده می‌کند. این جریان تبادل می‌تواند زبان معیار را دچار نوسان سازد. استفاده از زبان ترکمنی و فارسی با دو ساخت فولکوریک و همچنین همجواری با زبانهای پشتو و تاجیک نیز از جمله متغیرهایی هستند که می‌تواند در کنار دوگانگی فرهنگی جوامع به تغییر و تحول زبان معیار بینجامد.

کیهان فرهنگی: پدیده «پروسترویکا» باعث فروپاشی کشور بزرگی مانند شوروی شده است و در جماهیر دارای نفوذ، ما شاهد بروز و شکل‌گیری زبانهای گوناگونی مانند ازبکی، تاجیکی، ترکی و... بسیاری زبانهای دیگر هستیم. از سوی دیگر در اروپای غربی پدیده وحدت اقتصادی و تئوری «خانه اروپا» ضرورت وجود زبانی مشترک را ایجاد کرده است. یعنی ناظر دو پدیده دور شدن از زبان

محور در ابالتهای صاحب نفوذ شوروی و گرایش به وحدت زبان در اروپای غربی هستیم. این پدیده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ امروز ترجمه فوری و کتبی به زبانهای گوناگون در گردهماییها و گروههای پژوهش بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای نمونه می‌توان از منشورهای سازمان ملل در زمینه ترجمه نام برد، اما با این اوصاف می‌توان اختلافات زبانی میان کشورهای عضو جامعه کشورهای اروپایی و دیگر مجامع بین‌المللی را عنوان کرد. از سوی دیگر باید تفکر ایجاد زبان مشترکی که جریان تبادل فرهنگی، دانش و یادگیری را تشدید کند، جدی پنداشته شود.

کیهان فرهنگی: برای دستیابی به همکاری فرهنگی، به جای استفاده از زبانهای مانندی انگلیسی تا چه حد می‌توان از برپایی زبان بین‌المللی «اسپرانتو» سخن به میان آورد؟

□ کسی که به یک زبان مانند انگلیسی و یا اسپانیایی و عربی آگاهی دارد به سرعت می‌تواند بسیاری مفاهیم، پیامها و کلمات پراکنده در زبانهای دیگر را درک کند. البته زبان «اسپرانتو» به زبانهای اروپایی وابسته است، اما واجد ویژگیهای زیادی است که آن را به زبانهای آسیایی و آفریقایی نزدیک می‌سازد. البته تاکنون با وجود کوششهای اتحادیه بین‌المللی زبان اسپرانتو^(۱) و تأکید گروهی از رؤسای کشورها، وزیران، زبان‌شناسان و نویسندگان، و نیز با تلاشهای گسترده انجام شده، این زبان نتوانسته به شکلی در خور قبول گسترش یابد.

کیهان فرهنگی: از جناب عالی که به پرسشهای ما پاسخ دادید، سپاسگزاریم.

منابع:

- [۱] - «مناقب العارفين»، طبع تحسین یازجی به نقل از مقدمه کتاب ارتباط کلامی.
- [۲] - برای آگاهی بیشتر رک چامسکی. جان لایتز، احمد سمعی، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۷
- [۳] - نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال بیست و سوم، شماره اول و دوم، شماره مسلسل ۸۹ و ۸۸، صص ۲۵۸، ۲۷۲، توانش زبانی، نادر جهانگیری.
- [۴] - «ارتباط کلامی»، جرالد میلر، ترجمه علی ذکاوتی فراکرلو انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۶۸.

پی‌نوشت:

- 1- La Scienza Della Lingua
- 2- Lingua Standard.
- 3- De Sassure
- 4- L'anti Sociale
- 5- Prosocialc
- 6- La Lingua Dial etto
- 7- Veneziano
- 8- Napoletano
- 9- Sardo
- 10- La associazione universale del'Pouir